



یک برگ کوچک

• اکرم کشایی • تصویرگر: نگین حسین زاده

امروز در راه مدرسه یک برگ کوچک، جلوی پای من، روی زمین افتاد. یادم آمد تو در قرآن گفته‌ای، هر برگی که روی زمین می‌افتد، از آن باخبری. خدایی که از همه چیز خبرداری! خدای دانا! تو حتماً از آرزویی که من آن را در دلم نگاهداشته‌ام هم باخبری! همه‌ی آدم‌ها یک آرزو یا چند آرزو در دلشان دارند. تو حتماً از همه‌ی آن‌ها باخبری. من فکر می‌کنم هر کسی که این را بداند، هرگز ناامید نمی‌شود.

وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا نَعْلَمُهَا

هیچ برگی نمی‌افتد، مگر آن که آن را می‌دانم.

سوره انعام آیه ۵۹

